

حسین ریگی
کارگردان

من برای مردم استانم فیلم می‌سازم؛ حتی اگر دیده نشوم

گفت‌وگوی
روزنامه صبا
با عوامل فیلم
سینمایی «لیپار»

سینمای بومی صدای تغییر

حسین ریگی از معدود فیلم‌سازانی است که از دل سیستان و بلوچستان برخاسته و همان دغدغه سرزمینی را به سینما آورده است؛ دغدغه‌ای که او از مستند آغاز کرد و در مسیر فیلم کوتاه به «لیپار» رسید؛ فیلمی در ژانر کودک و نوجوان که تلاش دارد روایتی متفاوت، محترمانه و واقعی از مردم استان ارائه دهد. ریگی معتقد است سینمای ایران در نشان دادن سیستان و بلوچستان دچار کلیشه و سوءبرداشت بوده و اکنون زمان آن رسیده است که تصویر دروغین سال‌های گذشته اصلاح شود. او در این گفت‌وگو از چالش‌های فیلم‌سازی بومی، فاصله زیاد از مرکز، کمبود حمایت‌ها و نقش سینما در ایجاد تغییر اجتماعی صحبت می‌کند.

آقای ریگی شما متولد سیستان و بلوچستان هستید و از همان‌جا وارد سینما شدید. دغدغه اصلی شما برای ساخت فیلمی بومی از سرزمین خودتان چه بود؟
من به عنوان یک فیلم‌ساز برخاسته از سرزمین سیستان و بلوچستان همیشه دغدغه داشتم که تصویری

«لیپار» فیلمی در ژانر کودک و نوجوان است که با تمرکز بر فرهنگ و زندگی بومی سیستان و بلوچستان ساخته شده و تلاش دارد چهره‌های واقعی و متفاوت از این منطقه نشان دهد؛

تصویری که پیش‌تر در سینمای ایران کمتر دیده شده و اغلب با کلیشه‌های منفی همراه بوده است. این اثر با حمایت محدود نهادهای محلی و سرمایه شخصی تهیه‌کننده تولید شد و با کارگردانی حسین ریگی و حضور بازیگران حرفه‌ای و بومی، روایت جذابی خلق کرده که هم برای مخاطب محلی قابل باور است و هم تماشاگر غیر بومی را با فرهنگ و رسوم منطقه آشنا می‌کند. در این راستا با کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگر فیلم سینمایی «لیپار» به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

معصومه دهقان
گفت‌وگو



زیبایی از آنجا نشان بدهم. این کاری است که باید در سینمای ایران بیشتر انجام شود.

ساخت فیلم در آن منطقه چه چالش‌هایی داشت؟
چالش‌ها واقعاً زیاد بودند. اول از همه زیرساخت تولید فیلم تقریباً وجود ندارد. مسیر تا تهران حدود دو هزار کیلومتر است و همین، جابه‌جایی عوامل و تجهیزات را سخت و پرهزینه می‌کند. امکانات رفاهی برای گروه فیلم‌سازی هم خیلی محدود بود و سرمایه‌گذار هم به سختی پیدا می‌شد. از همه سخت‌تر، نگاه بعضی‌ها بود که می‌گفتند: «چرا فیلم بومی می‌سازی؟ با این مسیر دیده نمی‌شی!» اما چون دغدغه خودم بود، ادامه دادم. اگر حمایت بنیاد سینمایی فارابی، استانداری سیستان و بلوچستان و منطقه آزاد چابهار نبود، این فیلم هیچ‌وقت به سرانجام نمی‌رسید. واقعیت این است که ساخت فیلم بومی، مخصوصاً در ژانر کودک و نوجوان، واقعاً کار دشواری است.

در انتخاب بازیگر، به سراغ ترکیبی از بومی‌ها و چهره‌های حرفه‌ای رفتید. این تصمیم چطور گرفته شد؟
در ابتدا قصد داشتیم فقط با نابازیگران بومی کار کنیم تا هزینه‌ها پایین بیاید. اما در ادامه به این نتیجه رسیدیم که حضور بازیگران حرفه‌ای در کنار بازیگران بومی می‌تواند فیلم را هم جذاب‌تر کند و هم باورپذیرتر. بزرگ‌ترین چالش ما این بود که بازی‌های یک‌دست شوند. در این مسیر، حسام فرهمند کمک بزرگی به ما کرد و امین میری هم به‌عنوان مشاور لهجه و بازیگردان کودک همراهی جدی داشت. فکر می‌کنم در نهایت به یک‌دستی قابل‌قبولی در بازی‌ها رسیدیم.

آیا همچنان سراغ سوزهای بومی خواهید رفت؟
بله، حتماً. این مسیر را ادامه می‌دهم، چون خودم را در برابر مردم آن منطقه مسئول اجتماعی می‌دانم. البته این مسئولیت همیشه با فشارهایی همراه است. از یک‌سو بعضی می‌پرسند: «چرا بازیگر تیره‌پوست انتخاب کردی؟ بلوچ‌ها سفید هم هستند!» یا «چرا از این نوع موسیقی و این لهجه استفاده کردی؟» و از سوی دیگر باید برای تماشاگر غیر بومی هم جذابیت بصری و روایی ایجاد کنم. پیدا کردن این تعادل واقعاً کار سختی است.

آیا سینما می‌تواند ابزار تغییر اجتماعی باشد؟
قطعاً. همان‌طور که رسانه‌ها با نمایش تصویر نادرست از یک منطقه می‌توانند انگ و ترس بسازند، سینما با تصویر درست می‌تواند باعث آشتی اجتماعی شود. اگر مردم سیستان و بلوچستان خود واقعی‌شان را روی پرده ببینند، حتماً با سینما ارتباط برقرار می‌کنند. هدف ما هم دقیقاً همین است؛ ایجاد یک تغییر اجتماعی مثبت از دل تصویر.

پروژه تولید فیلم تا چه اندازه مطابق انتظار پیش رفت؟

هیچ فیلمی صددرصد مطابق برنامه جلو نمی‌رود؛ اما با تفکر حرفه‌ای تلاش کردیم عقب نمانیم. از فیلم‌برداری مسعود امینی تیرانی تا تدوین مهدی سعدی، گریم مرتضی کوهزادی، طراحی صحنه سیامک صابی و تهیه‌کنندگی محمدرضا سعیدخانی و حسام فرهمند همه کمک کردند تا به نتیجه مطلوب نزدیک شویم.

متفاوت از این استان در سینما ارائه شود. این دغدغه ابتدا از مسیر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی من شکل گرفت. از خاستگاه مستندسازی شروع کردم، بعد وارد فیلم کوتاه شدم و در ادامه به سینمای بلند رسیدم. طبیعی بود که روزی این اتفاق رخ دهد. اولین چیزی که به ذهنم رسید، سینما بود و رؤیاپردازی برای من اهمیت زیادی داشت.

من معتقدم جوامع پیشرفته همیشه به کودک و نوجوان خود توجه کرده‌اند. جامعه‌ای که به کودک و نوجوانش اهمیت بدهد، آینده موفق‌تری خواهد داشت؛ چون یاد می‌گیرد چه کاری درست است، چه غلط است و یاد می‌گیرد برای رؤیاهایش بجنگد. برای همین فیلم اولم را در ژانر کودک و نوجوان ساختم و خوشحالم که هر سه فیلم من در همین ژانر بوده‌اند. «لیپار» نخستین تجربه من در سینمای بلند است؛ فیلمی که هم درباره کودک و نوجوان است و هم درباره سیستان و بلوچستان.

در شرایطی که معمولاً سینمای ایران سراغ ژانرهای دیگر می‌رود، ورود به چنین مسیری چه جایگاهی برای شما ایجاد کرد؟

واقعیت این است که از نظر ساختار تولید در ایران، این مسیر چندان مطلوب تهیه‌کنندگان و سینماداران نیست. معمولاً دنبال ژانرهایی هستند که بازگشت سرمایه سریع داشته باشد. بنابراین کسی که وارد این جریان می‌شود، قطعاً با دغدغه و ریسک وارد می‌شود. اما از طرف دیگر، من به جهانی بودن قصه‌ها اعتقاد دارم. هر داستان بومی می‌تواند جهانی باشد و این را جشنواره‌های خارجی ثابت کرده‌اند. آثار من به همان اندازه که در جشنواره‌های داخلی دیده شده‌اند، در جشنواره‌های خارجی هم حضور داشته‌اند. دنیا دوست دارد درباره فرهنگ‌ها، آداب و رسوم و هویت بومی بشنود.

این‌که در ایران این اقبال کم است، موضوعی است که باید بیشتر درباره آن کار شود و قطعاً نیازمند حمایت ارگان‌هاست؛ چون این نوع فیلم‌ها به خودی خود بازگشت سرمایه قوی ندارند.

سیستان و بلوچستان همیشه در معرض کلیشه‌سازی بوده. تصمیم شما برای تغییر این تصویر از کجا آمد؟

سال‌ها در آن استان زندگی کرده‌ام و تصویر واقعی آن را می‌شناسم. متأسفانه در سینما اغلب بُعد منفی آن نمایش داده شده؛ قاچاق، ناامنی، تروریسم... درحالی‌که این تصویر واقعیت مردم آنجا نیست. سیستان و بلوچستان بهشت سوز و تصویر است، طبیعت بکر، مردمی نجیب و فرهنگی غنی دارد. من تلاش کردم این بار در کنار روایت و درام، تصویر درست و

